

نقش شایعه در جنگ از نگاه قرآن

مجید معارف^۱

فاخره فراهانی^۲

مجتبی میرزایی^۳

چکیده

مقدمه: شایعه، به مثابه یکی از ابزارهای پنهان تبلیغ، آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر بر پیکره نیروهای درگیر در صحنه نبرد بر جای می‌گذارد. بررسی آیات قرآن حکایت از آن دارد که کفار و منافقان در جنگ‌های احد، بدر صغری، حمراء الاسد، احزاب و تبوک از حربۀ تولید و انتشار شایعات بهره برده‌اند. با توجه به آثار مخرب شایعه در روحیۀ نیروی انتظامی، تحلیل این پدیده از منظر قرآن بسیار مهم است. از منظر قرآن چه کسانی و با چه اهدافی در پی ایجاد شایعه بوده‌اند؟ چه عواملی در پذیرش شایعه اثر دارد؟ عواقب پذیرش شایعه در میدان جنگ چیست؟ راهکارهای برخورد با شایعه چیست؟

روش تحقیق: روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌ای است. بدین منظور، با توجه به اینکه نخستین و مهم‌ترین منبع این پژوهش قرآن کریم است، ابتدا آیات مرتبط با موضوع استخراج و، پس از دسته‌بندی آن‌ها در زیر عناوین مربوط، تفسیر هر یک از آیات بررسی خواهد شد.

یافته‌ها: نشان می‌دهد وجود اهمیت و ابهام در اخبار نظامی، تأخیر در اطلاع‌رسانی اخبار صحیح، ارزیابی نکردن صحت و سقم اخبار و تلاش به منظور تحصیل اخبار اطمینان‌بخش، از بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری شایعات است. مهم‌ترین اهداف دشمنان از به‌کارگیری شایعه در جنگ القای خوف و ایجاد سستی در اراده و توان روحی نیروها، فریب افکار عمومی و ایجاد اختلاف و تفرقه در میان رزمندگان اسلام است.

نتیجه‌گیری: از راهکارهای مناسب برای مقابله با این روش تبلیغاتی و تأثیرات ناگوار آن در جنگ ابهام‌زدایی از اخبار، تحقیق و بررسی گزارش‌ها و ارجاع اخبار به اهل تشخیص است که در آیات قرآن بارها به مناسبت‌های مختلف به آن‌ها اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، شایعه، جنگ، کفار، منافقان، اخبار.

(۱). استاد گروه الهیات دانشگاه تهران.

(۲). دانشجوی دکتری دانشگاه تهران (علوم قرآن و حدیث) (farahani.f.2012@gmail.com).

(۳). کارشناسی ارشد (علوم قرآن).



مقدمه

شایعه از جمله آسیب‌هایی است که تأثیرات آن در بُعد نظامی و امنیتی مخرب‌تر از حوزه‌های دیگر است. باید گفت در محیط‌ها و موقعیت‌های بحرانی و آسیب‌زا (تروماتیک)، مانند جنگ، افراد شدیداً به دلیل مسائلی چون امید به پیروزی، ترس از شکست، تهدیدات جانی و مالی، جدایی از افراد مورد علاقه و... دچار اضطراب و ناامنی روانی هستند. از این رو، به دلیل فقدان امنیت روانی، در مواجهه با اخبار و رویدادهای اطراف خود، واکنش‌های هیجانی سریع نشان می‌دهند و از اخبار تأثیر می‌پذیرند (افروز، ۱۳۷۵: ۱۸). بر این اساس، زمانی که شایعاتی در میدان نبرد پخش می‌شود، نیروهایی که از هوشیاری و بصیرت کمتری بهره‌مند هستند در برابر این سلاح زهرآگین، پایداری و قدرت مقابله خود را از دست می‌دهند و اسیر جوّ شایعات می‌شوند. در طول تاریخ، شایعه به نحوی گریبان‌گیر حکومت‌ها بوده است. امپراطوری‌های روم باستان چنان دچار بلای شایعه بوده‌اند که عده‌ای را به مثابه پیش‌قراولان شایعه به کار می‌گماشتند؛ تا، با رفتن به میان مردم و کسب اخبار از آن‌ها، شنیده‌های خود را به قصر انتقال دهند. اخبار روزمره‌ای که به این صورت به قصر گزارش می‌شد محکی خوب برای سنجش افکار عمومی به حساب می‌آمد و در مواقع لزوم نیز این پیش‌قراولان، با نشر شایعاتی خاص، ضد حمله‌ای ترتیب می‌دادند (آلپرت و دیگران، ۱۳۷۲: ۴۶).

تاریخ اسلام نیز شاهد آن است که دشمنان از حربۀ شایعه برای ضربه زدن به مسلمانان به ویژه در جنگ‌ها بسیار بهره گرفته‌اند؛ به طوری که کفار و منافقان صدر اسلام با پخش شایعات به طرق مختلف در صدد تضعیف نظام نوپای اسلامی بوده‌اند. توجه به قدرت تخریب شایعات و آثار شوم آن در ابعاد نظامی ضروری می‌نماید به بازخوانی این آسیب از نگاه آیات حیات بخش وحی بپردازیم.

گفتنی است در این پژوهش فقط به بررسی مصادیق شایعه در ابعاد نظامی پرداخته شده است که در قیاس با مقالات مرتبط در این زمینه، متمایز است.



۱- تعریف شایعه

«شایعه» واژه‌ای عربی و از ریشه «شَیْعَ» است و در منابع لغوی غالباً به معنای «انتشار و آشکار کردن» آمده است (جوهری فارابی، ۱۴۱۸ ق: ۲/ ۹۵۹؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ ق: ۷/ ۲۵۷). پژوهشگران درباره معنای اصطلاحی شایعه تعریف‌هایی عرضه کرده‌اند؛ از جمله آلپرت و پستمن در این زمینه می‌نویسند:

«شایعه موضوع خاص گمانی است که برای باوراندن نزد همگان مطرح می‌گردد و از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود. معمولاً این انتقال به صورت شفاهی صورت می‌گیرد، بدون اینکه شواهدی مطمئن در میان باشد» (آلپرت و دیگران، ۱۳۷۲: ۹).

کاپفر در این زمینه بیان کرده است: «شایعه خبری است که برای باور همگان مطرح می‌گردد، بدون آنکه به طور رسمی تأیید شود» (کاپفر، ۱۳۸۰: ۱۵).

در کتاب «اصول روان‌شناسی» آمده است: «شایعه، هر گزارش تأیید نشده یا شرح حادثه‌ای است که بدون توجه به درستی یا نادرستی آن پخش می‌شود» (نرمان، ۱۳۷۵: ۱۲۹).

صاحب کتاب «فرهنگ علوم اجتماعی» می‌آورد: «شایعه فرایندی است که از طریق آن اخباری پخش می‌شود، بدون اینکه از مجراهای رایج گذشته باشد» (بیرو، ۱۳۷۵: ۳۲۷).

تأمل در تعاریف فوق آشکار می‌سازد که تعریف آلپرت و پستمن، نسبت به دیگر تعاریف، دو مورد از خصوصیات شایعه را در خود دارد که از این حیث مانع اغیار است؛ ویژگی اول آنکه شایعه زمانی پدید می‌آید که موضوع آن خاص یا حائز اهمیت باشد تا استعداد دهان به دهان گشتن توسط افراد جامعه را داشته باشد ویژگی دوم اینکه شایعه زمانی درباره موضوعی مهم شکل می‌گیرد که واقعیت در مورد آن موضوع در هاله‌ای از ابهام قرار داشته باشد و مخاطبان درباره آن در فقر اطلاعاتی باشند. در چنین شرایطی ویروس شایعه می‌تواند در افکار نفوذ کند و برای خود بستری فراهم سازد.



۲- مصادیق شایعات در جنگ

کاوش در آیات قرآن این واقعیت را نشان می‌دهد که یکی از برنامه‌های مهم کافران و منافقان در مبارزه با مدافعان حریم اسلام، توسل به سناریوی مخرب شایعه‌پردازی در جنگ‌ها بوده است. در ادامه، به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۲-۱- شایعه سازی کفار در غزوه احد

کفار در جنگ احد با انتشار شایعه شهادت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ضربه‌ای اساسی بر پیکره سپاه اسلام وارد نمودند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» (آل عمران/ ۱۴۴).

مفسران در شأن نزول این آیه آورده‌اند که، در هیاهوی جنگ احد، شخصی از کفار به نام عبدالله بن قمیثه سنگی بر پیشانی مبارک پیامبر اسلام زد و آن حضرت را مجروح کرد. این قمیثه به دنبال این حادثه، به بلندی چنین فریاد کشید: «محمد را کشتم.» این خبر کذب را در مدت زمانی ناچیز ابن قمیثه و دیگر کفار در میدان نبرد انتشار دادند و اندوهی شدید در میان مسلمانان حاکم ساختند. در این شرایط عده‌ای بسیار از مسلمانان میدان نبرد را ترک و فرار کردند (رازی، ۱۳۷۴: ۹۳/۵).

۲-۲- شایعه‌سازی کفار در غزوه حمراء الاسد

این غزوه در هشتم ماه شوال سال سوم هجرت، یک روز پس از غزوه احد، به وقوع پیوست. قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران/ ۱۷۳).

در این آیه منظور از «ناس» اول جاسوسان و ایادی کفار هستند که ابوسفیان آن‌ها را به سوی سپاه اسلام فرستاده بود (طبری، ۱۴۲۶ ق: ۶/۴۴۷). ایشان مأموریت داشتند خبر حمله کفار را بین مسلمانان پخش نمایند (بیضاوی/ ۱۴۲۱ ق: ۱/۳۱۲) و با تضعیف روحیه آنان، مانع از حضورشان در نبرد شوند (موسوی سبزواری، ۱۴۱۰ ق: ۷/۷۲). منظور از «ناس» دوم نیز ابوسفیان و اصحابش هستند که در صدد نبرد با مسلمانان بودند (طوسی، ۱۴۲۰ ق: ۳/۵۲).

اما درباره شأن نزول آیه آورده‌اند که، پس از پیکار احد، هنگامی که کفار به سرکردگی ابوسفیان راه مکه را در پیش گرفته بودند، در منطقه‌ای به نام روحاء از بازگشت شتاب‌آلود خود پشیمان شدند و تصمیم گرفتند که بازگردند و کار اسلام را برای همیشه تمام کنند. هنگامی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از تصمیم کفار مطلع شدند، دستور آماده باش به رزمندگان اسلام دادند و امر فرمودند که، جز افرادی که در کارزار احد شرکت داشته‌اند، کسی سپاه را همراهی نکند. زمانی که مسلمانان برای نبرد با کفار به حرکت درآمدند، در مسیر، با معبد خزاعی که از هم‌پیمانان پیامبر اسلام بود مواجه شدند. معبد، ضمن اظهار تأسف از شکست مسلمانان، مشاهده نمود که مسلمانان با عزم و اراده‌ای قوی بار دیگر برای نبرد با کفار در حرکت هستند. وی از این قوت قلب مسلمانان شگفت‌زده شد و خود را به سپاه ابوسفیان رسانید و به آنان گفت: «بدانید که محمد با سپاهی عظیم در تعقیب شماست». ابوسفیان، پس از شنیدن این وصف مبالغه‌آمیز، از تصمیمش منصرف شد و بار دیگر اراده بازگشت به مکه نمود. در این هنگام کاروانی از قبیله عبد قیس که آهنگ مدینه داشتند به سپاه کفار برخورد کرد. ابوسفیان، پس از آگاهی از مقصد کاروان، به ایشان گفت:

«پیام مرا به محمد برسانید تا به پاداش آن بار شترهایشان را در بازار عکاظ از مویز ببندم». آنان این مسئله را قبول کردند. ابوسفیان از ایشان خواست خبر حمله سپاهش را به گوش مسلمانان برسانند؛ همچنین او یکی از افرادش به نام نعیم بن مسعود را برای این منظور با ایشان همراه نمود. ابوسفیان، پس از این پیام هراس‌آفرین، راه مکه را در پیش گرفت و دیگر جرئت ماندن نداشت. کاروان عبد قیس به مسلمانان رسید و خبر حمله ابوسفیان را در میان مسلمانان پخش کردند. اما مسلمانان بر اثر این تبلیغات، نه فقط دچار وحشت نشدند بلکه، بر ایمانشان افزوده شد (طبرسی، ۱۴۲۰ ق: ۴۴۷/۲).

۲-۳- شایعه‌سازی کفار در غزوه بدر صغری

قرآن کریم درباره غزوه بدر صغری می‌فرماید: «وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدْعَاؤُهُمْ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ

لَا تَبِعْتُمْ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا» (النساء / ۸۳)

در این آیه منظور از عبارت «أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ» شایعاتی است که کفار و یادی قریش برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان منتشر می کردند (طباطبایی، ۱۳۹۱ ق: ۲۱/۵). تاریخ نویسان نیز در اشاره به این مسئله آورده اند که ابوسفیان، در پایان جنگ احد، مسلمانان را تهدید کرد که سال آینده در سرزمین بدر با آنان قتال خواهد کرد. یک سال گذشت و مسلمانان در طول این مدت پیروزی هایی متعدد کسب نمودند. ابوسفیان از بیم آنکه نبردی پیش آید و شکستی را متحمل شود از رفتن به بدر منصرف شد. از سویی نیز تلاش کرد مسلمانان را از حضور در میدان نبرد بازدارد. از این رو شخصی را به میان سپاه اسلام گسیل داشت تا با انتشار اکاذیب و شایعاتی، مبنی بر عظمت و قدرت سپاه کفار، مانع از حضور ایشان در نبرد شود. اما، با وجود این، پیامبر اسلام همراه با ۱۵۰۰ نفر از مسلمانان به سوی بدر حرکت کردند. ابوسفیان، بعد از آگاهی از عقیم ماندن توطئه اش، از آمدن به کارزار منصرف شد و در مکه ماند (ابن هشام، ۱۳۵۵ ق: ۳ / ۲۲۱).

۲-۴- شایعه سازی منافقان در جنگ احزاب

در جنگ احزاب مشرکان و یهودیان با یکدیگر هم پیمان شدند که برای همیشه اسلام را از صحنه روزگار محو کنند. عظمت سپاه احزاب به حدی بود که هر داوری نتیجه جنگ را از پیش تعیین می کرد. اما مسلمانان در سایه توکل به خداوند به تدبیر امور مشغول بودند و قصد داشتند با حفر خندق از ورود دشمن به داخل مدینه جلوگیری کنند. در حین حفر خندق، مسلمانان با صخره های سخت مواجه شدند که قادر به خرد کردن آن نبودند. آنان از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) کمک طلبیدند و حضرت در پرتو نور الهی با سه ضربه صخره را خرد نمود که در هر ضربه برقی از آن صخره به آسمان جهید. مسلمانان علت این امر را از پیامبر اسلام جویا شدند. حضرت فرمود: «با ضربه اول، حیره و مدائن بر من آشکار شد و جبرئیل آگاهم ساخت که امت من در آن سرزمین پیروز خواهند شد. با ضربه دوم، قصرهای حمر از سرزمین روم بر من نمایان شد و جبرئیل خبر داد که امت من بر آن دیار

چیره خواهند شد. ضربه سوم را که وارد کردم، کاخ‌های صنعا برایم ظاهر شد و جبرئیل گفت که اتم آن را فتح خواهد کرد». در این هنگام عده‌ای از منافقان که از چنین جمعیت عظیمی به وحشت افتاده بودند به کارشکنی پرداختند و می‌گفتند که پیامبر اسلام فقط وعده‌های دروغین می‌دهد (سیوطی، ۱۴۲۱ ق: ۲۵۰). قرآن در این باره می‌فرماید: «أَذِيقُوا الْمُنَافِقِينَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» (الاحزاب / ۱۲).

قرطبی درباره اقدام منافقان در انتشار این اکاذیب می‌نویسد: طعمه بن ابیرق و معتب بن قشیر و جماعتی که حدود هفتاد نفر بودند در روز خندق می‌گفتند: «چگونه به ما وعده گنج‌های کسری و قیصر را می‌دهد، در حالی که ما قادر به ظاهر ساختن خود نیستیم؟!». آن را گفتند تا اینکه در میان اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) پخش شد و خدای متعال این آیه را نازل فرمود» (قرطبی، ۱۴۲۷ ق: ۹۶/۱۷).

۲-۵- شایعه‌سازی منافقان در جریان جنگ تبوک

جنگ تبوک در سال نهم هجری به وقوع پیوست. این جنگ مصادف با تابستانی گرم و سوزان بود. مسلمانان پس از گذراندن یک دوره قحطی و خشکسالی در نظر داشتند به چیدن درختان میوه و خرما مشغول شوند و پس از مشکلات ناشی از قحطی و خشکسالی نفسی تازه کنند. ناگهان خبر هراس‌انگیز حمله هرقل امپراتور روم به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان رسید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، با آگاهی از این خبر، به تدارک نیروهای خود برای نبرد با رومیان اقدام نمودند و عده‌ای از اصحاب خود را نیز به منطقه تبوک اعزام کردند. هنگامی که سپاه اسلام خود را برای حرکت به تبوک و نبرد با رومیان مهیا می‌ساخت، منافقان به علت شدت گرما مسلمانان را از حضور در میدان جنگ باز می‌داشتند (ابن هشام، ۱۳۵۵ ق: ۴، ۱۵۹). قرآن می‌فرماید:

«فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ» (التوبه / ۸۱). علاوه بر این عده‌ای از منافقان کوردل، که از رفتن به میدان تبوک و نبرد با رومیان خودداری کرده بودند، پس از عزیمت سپاه اسلام به تبوک، چنین شایع می‌کردند که پیامبر اسلام و یارانش در این جنگ سختی



و بلائی بسیار دیده‌اند و همه کشته شده‌اند (آلوسی بغدادی، ۱۴۲۶ ق: ۵/۴۶۶).

۳- بسترهای مؤثر در شکل‌گیری شایعه

با توجه به مصادیق شایعه در بعد نظامی، بسترهایی که در تولید شایعه مؤثر است عبارت است از:

۳-۱- اهمیت و ابهام

باید توجه کرد که مسائل و موضوعات نظامی از اهمیتی خاص برخوردار است. در موقعیت‌هایی مانند جنگ، به دلیل ضرورت حفظ اسرار و اطلاعات، ابهامی فوق‌العاده وجود دارد. این حالت ابهام، بستری مناسب برای رشد و انتشار شایعات در میان نیروهایی که در فقر اطلاعاتی به سر می‌برند فراهم می‌کند. از این رو آنان به آسانی گرفتار این سلاح خطرناک می‌شوند. این بدان دلیل است که نیروها به دنبال کسب اخبار و اطلاعات صحیح درباره موضوعات مهم خود هستند؛ اما اخبار و اطلاعاتی موثق در اختیار ندارند. از این رو هر خبری که بتواند آنان را از حالت ابهام رهایی بخشد به سرعت می‌پذیرند و انتشار می‌دهند.

در شکل‌گیری شایعه شهادت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) عنصر اهمیت و ابهام نقشی مهم داشته است. موضوع این شایعه شهادت رهبر جامعه اسلامی و فرمانده سپاه اسلام است که اهمیتی ویژه دارد. از این رو این خبر کذب را ابن قمیئه و دیگر کفار در مدت زمانی ناچیز در میدان نبرد انتشار دادند (واقدی، ۱۴۰۴ ق: ۱/۲۳۰). مسلمانان نیز به محض آگاهی از این خبر، به این دلیل که درباره این خبر در حالت ابهام و بی‌اطلاعی بودند، به سرعت به نقل و تکرار آن به طرق مختلف پرداختند (طبرسی، ۱۴۲۰ ق: ۲/۴۰۵).

در تاریخ اسلام نیز هر جا که اهمیت و ابهام در موضوعی قطعی بوده است شایعات شکل گرفته است. شایعه قتل عثمان بن عفان، نماینده پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، به دست سران قریش در جریان صلح حدیبیه نمونه‌ای آشکار در این زمینه است (ابن هشام، ۱۳۵۵ ق: ۳/۳۲۹).

۳-۲- تأخیر در اطلاع‌رسانی

گاه عکس‌العمل مناسب فرماندهان و مسئولان برای اطلاع‌رسانی دقیق و تکذیب اخبار بی‌اساس دشمنان صورت نمی‌پذیرد. این تأخیر در اطلاع‌رسانی باعث باور پذیری خبر برای

مخاطبان و افراد جامعه و در نتیجه شکل‌گیری شایعه می‌شود.

در جنگ احد، خبر شهادت پیامبر اسلام را یکی از کفار در میدان نبرد انتشار می‌دهد. مسلم است که این شایعه را تا مدتی هیچ کس تکذیب نمی‌کند. چرا که تکذیب آن، در موقعیتی که رزمندگان سپاه اسلام در حال عقب‌نشینی و فرار از میدان نبرد هستند، نه فقط بی‌فایده است بلکه، کفار را به حمله گسترده و پایان دادن کار پیامبر و مسلمانان تشویق می‌کند. حتی، هنگامی که یکی از مسلمانان به نام کعب بن مالک پیامبر اسلام را در میدان زنده یافت و در صدد تکذیب شایعه برآمد، پیامبر او را در آن موقعیت حساس از این عمل بازداشت (آلوسی بغدادی، ۱۴۲۶ ق: ۳۹۸/۲). این تأخیر در اطلاع‌رسانی سبب می‌شود عده‌ای از مسلمانان از این شایعه متأثر شوند و احتمال درستی آن را بدهند.

۳-۳- نداشتن ارزیابی صحیح

وقتی افراد با شایعه مواجه می‌شوند، با توجه به ویژگی‌های شخصیتی خود آن را ارزیابی می‌کنند. افرادی که شخصیتی زودباور دارند و از قدرت ارزیابی صحیح اخبار بی‌بهره هستند، بدون هیچ گونه تحقیق، به سرعت از آن شایعه متأثر می‌شوند.

در غزوه بدر صغری، ابوسفیان به کمک جاسوسان خود، با نشر اخبار کذب در میان رزمندگان اسلام، قصد داشت مانع از حضور آنان در میدان نبرد شود. اقدام ابوسفیان سبب شد عده‌ای از مسلمانان ساده‌لوح، بدون علم و آگاهی، از این شایعه تأثیر پذیرند و به پخش آن اقدام نمایند.

۳-۴- تحصیل اطمینان

در غالب موارد، هنگامی که رزمندگان در صحنه جنگ اخباری ناگوار می‌شنوند که از صحت و سقم آن اطلاع ندارند، فشار روحی و روانی بسیاری تحمل می‌کنند؛ فشاری که از اطمینان نداشتن آنان از درستی یا نادرستی اخبار ناشی می‌شود. در چنین شرایطی، شنوندگان شایعه، با نقل و پخش این شایعه نزد اطرافیان خود، به دنبال رهایی از این فشار برمی‌آیند. ایشان از این طریق سعی می‌کنند دیگران را در نگرانی خود سهیم کنند؛ تا اگر شایعه نادرست است دیگران آن‌ها را از نادرستی شایعه مطلع کنند و به حالت اطمینان برسانند. از این رو شنوندگان



شایعه، وقتی دیگر افراد جامعه را می‌بینند از موضع ناآگاهی می‌گویند: «آیا شنیده‌اید که...». آنان در واقع، با این رفتار خود، برای کسب اطمینان از درستی یا نادرستی شایعه، ناخواسته به انتشار آن کمک کرده‌اند.

۴- اهداف و انگیزه‌های شایعه‌سازان

۴-۱- القای خوف و وحشت

به طور کلی، انسان نیاز دارد در زندگی خود از امنیت و آرامش بهره‌مند باشد تا در سایه آن بدون هیچ دغدغه‌ای به تلاش برای نیل به اهدافش بپردازد. در این میان، شایعه‌سازان، با تولید اخبار اضطراب‌آور و القای خوف و وحشت، روح و روان انسان را آشفته می‌کنند. مفسران، انگیزه ابوسفیان و جاسوسانش را از تولید و انتشار شایعات در میان رزمندگان سپاه اسلام، القای خوف و وحشت بیان کرده‌اند. ابن عاشور در این باره می‌نویسد: «آنان می‌خواستند که در میان مسلمانان ایجاد ترس و نگرانی کنند و آنان را از نیتشان بازدارند» (ابن عاشور، بی‌تا: ۱۶۹/۴). همچنین، در غزوه تبوک، منافقان با انگیزه ایجاد خوف و وحشت در میان مسلمانان به طراحی شایعات پرداختند. طبری در این زمینه می‌نویسد: «منافقان، از جمله ودیعه بن ثابت و مخشی بن حمیر که همراه پیامبر بودند، هنگام عزیمت مسلمانان به تبوک می‌گفتند: خیال می‌کنید که جنگ با رومیان مانند جنگ با دیگران است؟! فردا می‌بینیم که تمام شما اسیر و در ریسمان بسته شده‌اید. منافقان این سخنان را می‌گفتند تا آنان را بترسانند» (طبری، ۱۴۲۶ ق: ۳۷۰/۲).

۴-۲- تضعیف توان روحی مؤمنان

آنان که از قوانین حاکم بر جنگ اطلاع دارند به خوبی می‌دانند که وضعیت روحی رزمندگان نقشی بسیار تأثیرگذار در پیروزی یا شکست نیروها در نبرد ایفا می‌کند. یکی از پژوهشگران به نام میلر درباره تأثیرات شایعه بر روحیه سربازان می‌نویسد: «امروزه ارتش‌های درگیر در جنگ به خوبی می‌دانند که شایعات همچون خوره به جان سربازان و افکار عمومی می‌افتد و توان روحی آنان را برای مقابله با دشمن به شدت کاهش می‌دهد. به همین سبب، دپارتمان‌ها

و یگان‌های عملیات روانی ارتش‌های کشورهای پیشرفته بخشی از توان و هزینه‌های خود را برای کشف شایعات صرف می‌کنند و به دنبال راهکارهایی برای مقابله با آن برمی‌آیند» (آلپرت و دیگران، ۱۳۷۲: ۱۶).

از نگاه قرآن نیز شایعه از جمله اسبابی است که منجر به تضعیف توان روحی رزمندگان می‌شود. انعکاس روشن این مسئله شایعه شهادت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در جنگ احد است. این شایعه، به همان اندازه که در روحیه بت‌پرستان تأثیر مثبت دارد، سبب ایجاد تزلزل در مسلمانان می‌شود و اکثر آنان بر اثر حزن و اندوه شدید ناشی از این خبر دچار ضعف روحی می‌شوند (واقدی، ۱۴۰۴ ق: ۱، ۲۳۰).

۴-۳- فریب افکار عمومی

گاه دشمنان با استفاده از پخش اخبار سعی می‌کنند با فریب افکار عمومی، آنان را به سمت وسوی مورد نظر خود سوق دهند و از مسائل مهم منحرف سازند.

منافقان، در جریان جنگ احزاب و برای انصراف مسلمانان از جهاد این پندار کذب را شیوع می‌دادند که وعده‌های خداوند و رسولش مبنی بر پیروزی مسلمانان حقیقت ندارد. تاریخ نیز آشکار می‌کند که در مواردی بسیار، از شایعات برای فریب افکار استفاده شده است. صاحب‌النهایه در این باره می‌نویسد: «کفار قریش، پس از شکست نمایندگان خویش در بازگرداندن مهاجران مسلمان از حبشه به مکه و برای فریب آنان به ابزار شایعه متوسل شدند» (ابن اثیر، ۱۴۰۸ ق: ۱، ۴۹۶).

۴-۴- ایجاد سستی در عزم و اراده نیروها

همان‌طور که می‌دانیم، در گذشته شاکله اصلی نیروهای نظامی را توده‌های مردم تشکیل می‌داد؛ هر چند افرادی جنگ‌جو و نام‌آور نیز که آشنا به فنون و مهارت‌های نظامی بودند در میان سپاهیان وجود داشتند، اکثر آنان مردمی بودند که به فراخوان رهبر یا بزرگ قبیله خود، برای نبرد با دشمنان بسیج می‌شدند. روشن است که این افراد، به این دلیل که تجربه چندانی در مسائل نظامی نداشته و آموزش خاصی ندیده بودند، توانایی لازم را برای ارزیابی

موضوعات و برخورد مناسب با اخبار و گزارش‌ها نداشتند. از این رو، در مواجهه با شایعات هراس‌انگیزی که دشمنان منتشر می‌کردند بسیار سریع متأثر می‌شدند و بدون تحقیق، آن‌ها را می‌پذیرفتند. این شایعات گاه منجر به آن می‌شد که در افکار و اذهان نیروها نوعی خمودی شکل بگیرد و در اراده‌شان برای عزیمت به میدان نبرد و مقابله با دشمنان سستی به وجود آید. در این زمینه می‌توان به نشر شایعات، دلهره‌آور و وحشت‌آفرین ابوسفیان و جاسوسانش در میان رزمندگان سپاه اسلام در بدر صغری اشاره کرد. این اقدام منجر به آن شد که جمعی کثیر از رزمندگان سپاه اسلام از عزیمت به میدان نبرد سستی بورزند (ابن هشام، ۱۳۵۵ ق: ۲۲۱/۳).

۴-۵- ایجاد اختلاف و تفرقه

در هیاهوی جنگ زمانی که دشمنان اخبار ساختگی پخش می‌کنند، با توجه به اینکه از یک سو مخاطبان، شایعات در حالت ابهام و فقر اطلاعاتی قرار دارند و از سوی نیز هر یک از مخاطبان دارای ویژگی‌هایی شخصیتی هستند، طبیعتاً در مواجهه با این شایعات به صورت‌های گوناگون از خود عکس‌العمل نشان می‌دهند و موضع‌گیری‌های مختلف اتخاذ خواهند کرد. روشن است که این جهت‌گیری‌های گوناگون موجب شکل‌گیری اختلاف خواهد شد و چنددستگی به بار خواهد آورد.

مفسران آورده‌اند در روز احد، وقتی شایعه شهادت پیامبر اسلام در میدان نبرد انتشار یافت، مسلمانان سپاه اسلام چنان دچار اختلاف و چنددستگی شدند که جمعی از ایشان می‌گفتند: «به عبدالله بن ابی بگویند برای ما از ابوسفیان امان بگیرد». عده‌ای دیگر چنین می‌گفتند: «اگر محمد کشته شده باشد، ما باید به دین اول خود بازگردیم». در این بین یکی از مسلمانان نیز چنین فریاد زد: «هان ای مردم مهاجر! معطل چه هستید؟! محمد کشته شد؛ به سوی قوم مکی خود بازگردید. چرا که در غیر این صورت می‌آیند و شما را می‌کشند» (سیوطی، ۱۴۲۴ ق: ۴، ۴۷). در تاریخ اسلام نیز معاویه برای ایجاد اختلاف و تفرقه در میان سپاهیان امام حسن (علیه‌السلام) از حربۀ شایعه استفاده نمود (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷ ق: ۱۶، ۴۲).

۵- طبقه‌بندی شایعه‌سازان

۱-۵- عوامل داخلی

گاه شایعه‌سازان اسلحه‌ای محسوب می‌شود که در دست دشمنان داخلی یعنی منافقان و ورشکستگان سیاسی جامعه است. عبدالله بن ابی و دیگر اعضای حزب نفاق از جمله عوامل داخلی هستند که به دلیل حضور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مدینه و از دست دادن پایگاه سیاسی خود در این شهر، از مجرای شایعات در مرکز حکومت اسلامی به فعالیت‌های تخریبی می‌پرداختند.

۲-۵- عوامل خارجی

گاهی نیز شایعات دشمنان خارجی و بیگانگان علیه جوامع و ملت‌های انقلابی و حرکت‌ها و قیام‌های مردمی، برای حفظ منافع نامشروعشان تولید و پردازش می‌شود. در این باره می‌توان به شایعه‌سازی و دروغ‌پردازی کفرپیشگان به سرکردگی ابوسفیان در غزوهٔ حمراءالاسد اشاره کرد.

۳-۵- افراد ضعیف‌الایمان

گاه اخبار را افراد ضعیف‌الایمان و به‌طور ناخواسته انتشار می‌دهند. در این باره یکی از دانشمندان به نام دمستر می‌نویسد: «شایعات همچون اسکناس‌های تقلبی است که گروهی مردم مجرم و تبه‌کار به چاپ آن می‌پردازند؛ اما انسان‌های شریف و بزرگواری ناآگاهانه آن را پخش و مبادله می‌کنند» (صویان، ۱۳۸۶: ۴۵).

سید قطب دربارهٔ مسلمانان ضعیف‌الایمان که در جریان غزوهٔ بدر صغری در القای شایعات میان سپاه اسلام نقش داشتند می‌نویسد: «ایشان متوجه نیستند که شایعه چه خطری بزرگ برای آشفته‌گی و پراکندگی اردوگاه مسلمانان دارد و چه پیامدهایی ناگواری بر آن است» (قطب، ۱۴۱۲ ق: ۷۲۳/۲).

۶- راه‌های رویارویی با شایعات

۱-۶- ابهام‌زدایی

اطلاع‌رسانی فرماندهان، مسئولان و افراد و گروه‌های صاحب نظر به طبقات و اقشار مختلف مردم جامعه، دربارهٔ موضوعات مهم، نقش اساسی در پیشگیری از تولید و رواج شایعات و

اخبار کذب دارد. زیرا بسیاری از شایعات در بستر ابهام و فقر اطلاعاتی افراد جامعه شکل می‌گیرد. گفتنی است که تبیین مواضع ابهام باید با سرعت و دقت بسیار صورت گیرد. سرعت به این دلیل که، قبل از تولید و انتشار شایعه، مردم از حقیقت موضوع مطلع شوند و تحت تأثیر آن خبر قرار نگیرند. دقت از آن نظر که حقایق به طور کامل در اختیار مردم جامعه قرار بگیرد و هیچ گونه نقطه ابهامی در آن موجود نباشد؛ تا مبادا دشمنان از آن مواضع ابهام برای انتشار شایعات خویش بهره ببرند.

۶-۲- ارجاع خبر به اهل تشخیص

هنگامی که اخباری در میدان نبرد مطرح می‌شود، افراد و گروه‌ها وظیفه دارند، در برخورد با اخبار و گزارش‌ها، از خود حالات احساسی و هیجانی و تأیید و تکذیب‌های آنی بروز ندهند و برای اطلاع از صحت و سقم اخبار به اهل تشخیص که همان مسئولان، فرماندهان و منابع آگاه و مطلع هستند رجوع نمایند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أَوْلِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَآتَبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ الْآفِلَاءَ» (النساء/۸۳).

۶-۳- تحقیق و بررسی اخبار و گزارش‌ها

هنگامی که مخاطبان شایعه درباره اخبار تحقیق نمی‌کنند، برخوردی غیر متعهدانه با اخبار دارند و به نقل و تکرار سخنان غیر مستند می‌پردازند، قطعاً عرصه برای پدید آمدن شایعات مساعد خواهد بود. ابن خلدون می‌نویسد: «از آنجا که بر زبان آوردن گزاره‌گویی آسان است و مردم از پرسش تردید‌آوران و خرده‌گیری نقادان غفلت می‌ورزند، به یاوه‌سرایی می‌پردازند و خود را به تحقیق نیازمند نمی‌دانند؛ عنان زبان را می‌گسلند، آن را در چراگاه دروغ آزاد می‌گذارند و در ورطه گمراهی فرو می‌برند» (ابن خلدون، بی تا: ۱۱). این در حالی است که، از نگاه قرآن، اخبار نیاز به تحقیق و بررسی دارد. قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» (الحجرات / ۶).

۶-۴- تکذیب شایعه

تکذیب شایعه عکس‌العملی مناسب برای مقابله با آن است. این روش می‌تواند سبب ایجاد شک و تردید دربارهٔ حقانیت اخبار شایعه‌سازان شود. با دقت در آیات قرآن نیز متوجه خواهیم شد شایعاتی که دشمنان با انگیزه‌های گوناگون به ساخت آن همت گماشته‌اند تکذیب شده است. اصولاً زمان مناسب در تکذیب شایعه بلافاصله پس از پخش آن است. زیرا در این زمان هنوز امواج شایعات سطح جامعه را فرا نگرفته است و خنثی‌سازی آن آسان‌تر خواهد بود.

۶-۵- شایعه‌سازی علیه دشمنان اسلام

انتشار شایعه علیه دشمنان اسلام را نمی‌توان به مثابه راهکار اصلی و همیشگی استفاده کرد. زیرا اولاً ممکن است دشمنان بر اثر شایعاتی که علیه آنان ساخته می‌شود به مظلوم‌نمایی دست بزنند و از این طریق افکار عمومی جامعه را تحت تأثیر قرار دهند ثانیاً؛ احتمال دارد مردم به مسئولان نظام اسلامی بی‌اعتماد شوند (محمودی ۱۳۷۶: ۱۱۸). اما استفاده از شایعه علیه دشمنان در یک وضعیت جایز شمرده شده است و آن در شرایط جنگ است. قرآن می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (الانفال/۶۰). منظور از «قوه» هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان‌پذیر باشد (طباطبایی، ۱۳۹۱ ق: ۹، ۱۱۴). مرحوم کاشف‌الغطاء می‌نویسد: «رزمندگان می‌توانند هر چه را که برای خوار کردن دشمن نیاز است به کار گیرند مانند: تفنگ، شمشیر، تیر، سپر، لباس‌های آهنین، اسب، مرکب، منجنیق، ساخت دژها و... همچنین، با فرستادن کسی که می‌تواند به دشمنان برسد و خبر ضعف یا قدرت مسلمانان را آن‌گونه که مصلحت اقتضا می‌کند به آنها برساند» (کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۰: ۳/۳۷۳، ۳۷۵). در روایات نیز آمده است: «الْحَرْبُ خُدْعَةٌ، تَكَلَّمُوا بِمَا أَرَدْتُمْ» (حرعاملی، ۱۴۱۱ ق: ۱۵/۱۳۲).





نتیجه‌گیری

- ۱- شایعه، به مثابه ابزاری برای مهندسی افکار عمومی، همیشه و همه جا به‌ویژه در زمان جنگ و میدان نبرد برای طرفین و گروه‌های مختلف اهمیت داشته است. پدیده‌ای با این درجه از حساسیت که امروزه، نبرد برای تصاحب این عرصه به «عملیات روانی» تعبیر می‌شود، یکی از علل اصلی شکست یا پیروزی در جنگ محسوب می‌شود.
- ۲- انتشار شایعات به منظور کنترل عرصه عمل و رفتار افراد و ایجاد فضای رعب و وحشت در زمان جنگ آسان‌تر از زمان صلح است؛ از آن جهت که عناصر سه‌گانه ترس، تنفر و امید در زمان جنگ بیش از حد معمول فعال است و چون مردم در حالت ترس و وحشت به سر می‌برند، آماده پذیرش اخبار دروغین هستند.
- ۳- تضعیف روحیه دشمن، افزایش روحیه نیروهای خودی، سنجش واکنش دشمن، برآورد واکنش نیروهای خودی، ایجاد بی‌اعتمادی و بدبینی بین رزمندگان و فرماندهان، ایجاد تفرقه و دوگانگی در صف دشمن، ترور شخصیت فرماندهان و رهبران، کسب اطلاعات درست و ایجاد شورش و قیام از مهم‌ترین اهداف شایعه‌سازان در میدان جنگ است.
- ۴- این اسلحه گاهی در دست دشمنان داخلی یعنی منافقان و ورشکستگان سیاسی جامعه است که غالباً در مسیر کسب ریاست و قدرت گام برمی‌دارند. زمانی هم دشمنان خارجی و بیگانگان علیه جوامع انقلابی و جنبش‌های ضد استعماری، به منظور حفظ منافع نامشروعشان، تولید و پردازش می‌کنند. همچنین گاهی افراد ساده‌اندیش و بی‌بصیرت، ناآگاهانه و ناخواسته، از این اسلحه استفاده می‌کنند.
- ۵- مقابله با این آسیب در صحنه نبرد از یک سو به دلیل ابهام و فقر اطلاعاتی شدید ناشی از ضرورت حفظ اطلاعات و اسرار نظامی و از سوی دیگر، به دلیل خسارات جبران‌ناپذیر و خانمان برانداز آن، باید بسیار جدی مد نظر قرار گیرد. در این میان اطلاع‌رسانی سریع و دقیق و تبیین مواضع ابهام، نقشی چشمگیر در رویارویی با شایعات ایفا خواهد کرد.

۶- شایعه به تنهایی علت اصلی شکست در میادین نظامی نیست؛ بلکه علت اصلی تأثیرپذیری رزمندگان از شایعه است. بنابراین فرماندهان باید ضمن بصیرت افزایی رزمندگان، قشر آسیب‌پذیر از شایعات را در نیروها شناسایی کنند. اینکه چه کسانی، با توجه به معیارهایی چون تحصیلات، سن، جنسیت و اعتقادات بیش از دیگران از شایعات متأثر می‌شوند. همچنین بررسی کنند چه نوع شایعاتی بیشترین کاربرد را دارد. آن‌گاه طرح و برنامه‌ای مناسب برای واکنش کردن شایعه‌پذیران و از بین بردن زمینه‌های پذیرش شایعه در آنان عرضه کنند. این موارد از جمله اقداماتی است که در مقابله با شایعه می‌توان انجام داد.

منابع

- قرآن کریم.

- آلپرت، جی دبلیو (۱۳۷۲). روان‌شناسی شایعه، ترجمه ساعد دبستانی، تهران: سروش، چاپ دوم.
- آلوسی بغدادی، محمود (۱۴۲۶ق). روح المعانی، قاهره: دارالحدیث، چاپ اول.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۳۸۷ق). شرح نهج البلاغه، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۴۰۸ق). الکامل فی التاریخ، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- ابن خلدون، عبدالرحمان (بی تا). مقدمه ابن خلدون، بیروت: مؤسسه الاعمی.
- ابن عاشور، محمد طاهر (بی تا). التحریر و التنویر، تونس: دارالتونسیه.
- ابن منظور، محمد (۱۴۰۸ق). لسان العرب، بیروت: دارالاحیاء التراث، چاپ اول.
- ابن هشام، محمد بن اسحاق (۱۳۵۵ق). سیره النبویه، قم: مکتبه المصطفی.
- افروز، غلامعلی (۱۳۷۵). روانشناسی شایعه، تهران: نشر فرهنگ اسلامی،
- بیرو، آلن (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- بیضاوی، عبدالله (۱۴۲۱ق). انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: مؤسسه الایمان.
- جوهری فارابی، اسماعیل (۱۴۱۸ق). تاج اللغه، بیروت: دارالفکر لطباعه و النشر.
- حر عاملی، محمد (۱۴۱۱ق). وسائل الشیعه الی التحصیل الشریعه، قم، آل البیت.
- رازی، ابوالفتوح (۱۳۷۴). روض الجنان و روح الجنان، مشهد: آستان قدس، چاپ دوم.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۴ق). الدر المشهور، قاهره: مرکز هجر للبحوث، چاپ اول.
- سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۲۱ق). لباب النقول فی أسباب النزول، بیروت: مکتبه العصریه، چاپ دوم.
- صویان، احمد (۱۳۸۶). المنهج الشرعی فی تلقی الاخبار و روایتها، ترجمه عبدالصمد مرتضوی، تهران: احسان.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۱ق). المیزان، بیروت: مؤسسه الاعمی للمطبوعات.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۰ ق). مجمع البیان، بیروت: مؤسسه الاعمی للمطبوعات.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۶ ق). جامع البیان، قاهره: مرکز الهجر البحوث، چاپ اول.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ ق). تفسیر التبیان، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول.
- قرطبی، محمد (۱۴۲۷ ق). الجامع لاحکام القرآن، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ اول.
- قطب، محمد (۱۴۱۲ ق). فی ظلال القرآن، قاهره: دارالشروق، چاپ هفدهم.
- کایفر، ژان نوئل (۱۳۸۰). شایعه، ترجمه خداداد موقر، تهران: شیرازه.
- کاشف الغطاء، جعفر (۱۳۸۰). کشف الغطاء، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
- محمودی، محمد (۱۳۷۶). شبهه و شایعه دو منکر مطبوعاتی، قم، معروف.
- موسوی سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۰ ق). مواهب الرحمن، قم: موسسه المنار.
- نرمان، ل. مان (۱۳۷۵). اصول روانشناسی، ترجمه محمود ساعتچی، تهران: امیرکبیر، چاپ دوازدهم.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ ق). المغازی، بیروت: عالم الکتاب، چاپ سوم.